

راهِبرد نرم مبارزاتی در مقابل بنی العباس

با بررسی مرور موقعیت زمانی حیات و امامت امام حسن عسکری^(ع)، درمی یابیم که ایشان در دو بعد رفتار می کردند. اولین بخش تقیه بود؛ چرا که عصر حیات ایشان به عصر قیام مهدی معروف بود و پیروان حضرت معتقد بودند بعد از امام حسن عسکری^(ع) فرزند ایشان منجی عالم بشریت خواهند آمد؛ به همین دلیل امام^(ع) از مردم فاصله گرفتند تا حکومت عباسی به بیت و روابط ایشان حساس نشود و تهدیدی متوجه وجود مقدس حضرت ولیعصر^(ع) نباشد.

تلاش برای نهادهن کردن روابط انسانی

دومین بخش مبارزه حضرت پنهان بود که به واسطه همین، امام^(ع) دو مرتبه به زندان افتادند. تعبیر تقیه، ناخودآگاه این معنا را متبلور می سازد که ما فضای عمومی داریم و فضای خاصی نداریم که بخواهیم شیعه را پررنگ کنیم. در فضای تقیه ارتباط با اهل سنت پررنگ تر دیده می شود. وقتی شما عملاً فریادی می زنید که شیعه هستید و شیعیان درویر شما هستند، تفاوت های عبادی با اهل سنت در رفتارنا تبلور می یابد، لذا امام عسکری^(ع) تلاش می کردند با تقیه و با رویکرد فرامذهبی، بیشتر روابط انسانی را مطرح و نهادهن کنند.

ارتباط بیشتر با اهل سنت

ارتباط امام عسکری^(ع) با اهل سنت بیشتر از دیگر ائمه^(ع) بود، گرچه به طور کلی سیره همه امامان^(ع) ما این بوده است که مذهب دیگر خصوصاً اهل سنت را محترم بشمارند؛ چنان که امام صادق^(ع) می فرمایند: «به عبادت بیماران آن ها بروید، در نماز جماعتشان شرکت و با آن ها همکاری کنید». سیره و رفتار امام حسن عسکری^(ع) به گونه ای نبود که البتهایی بین شیعه و سنی باشد و امام خواسته باشد آن را تلطیف کند.

امامت در سایه تقیه

بخش اعظم سیره و حیات بابرکت امام حسن عسکری^(ع) مربوط به عصر بسیار سختی است که بنی عباس منتظر امام زمان^(ع) هستند، لذا بیشترین فعالیت امام حسن عسکری^(ع) در سایه تقیه انجام می شود تا مسئله ولادت امام مهدی^(ع) پررنگ نشود و آسیبی نبینند. فعالیت تقریبی عیان و آشکاری از ایشان ثبت نشده است، ولی امام حسن عسکری^(ع) دقیقاً مثل تمام ائمه^(ع) در زمینه تقیه مذاهب و توجه به اهل سنت، یک تفکر و عمل داشتند.

مبارزه را تعطیل نکرد

صحبت از تقیه در آن زمان، به این معنا نیست که حضرت، رفتارهای مبارزاتی خود را تعطیل کرده باشند. همان گونه که می دانید، امام حسن عسکری^(ع) تنها ۲۸ سال عمر کردند و در بیست سالگی نامه ای به عبدا... بن ظاهر نوشتند و در نامه از خلیفه وقت، شکایت و بیان کردند ان شاء... این آدم طغیانگر را ساقط کند. این نامه در زمانی نوشته شد که ایشان هنوز به امامت نرسیده بودند و امام هادی^(ع) در قید حیات بودند.

حفاظت از منجی آخرالزمان^(ع)

شکل تقیه امام یازدهم^(ع) با تقیه دیگر ائمه^(ع) متفاوت بود. برخی امامان به شیعیان خود می فرمودند تظاهر نکنید؛ یعنی اگر در جمع مسلمین و اهل سنت شرکت می کردند، یک بخش آن به این دلیل بود که جامعه به آن ها حساس نشود. اما دلیل اصلی تقیه امام حسن عسکری^(ع)، حفاظت از منجی موعود بود تا اضطراب حکومت درباره ایشان و در نتیجه فشارها کمتر شود.

بررسی اقدامات امام عسکری^(ع) برای ورود ایمن شیعه به عصر غیبت

امام عسکری^(ع)؛ مبدع ماناترین راه و رسم انتظار

آمنه مستقیمی اگرچه اهل بیت^(ع) جملگی یک مأموریت و رسالت را بر عهده دارند، اما این مأموریت در برهه هایی سخت تر و راهبردی تر و تاریخ سازتر شده است؛ مثل کاری که امام عسکری^(ع) انجام دادند و در آن خفقان بنی عباس^(ع) هم از جان منجی موعود^(ع) حفاظت و هم شیعه را آماده ورود به عصر غیبت کردند؛ دورانی پرفتنه و چالش که اگر نبود تدابیر امام یازدهم^(ع) چه بسا از شیعه جز نام باقی نمی ماند. درباره آنچه ایشان انجام دادند و برکاتی که برای تاریخ رقم زده اند، با حجت الاسلام والمسلمین قاسم سوری، استاد حوزه و دانشگاه، مشاور و روان شناس و فعال فرهنگی گفت وگو کرده ایم.

گفت وگو

چرایی شهرت به «عسکری»

امام حسن عسکری^(ع) گروه های مبارز شیعی را سازمان دهی می کردند اما هیچ گاه منزل خود را مرکز رفت و آمد برای این امور نمی کردند؛ چون این امر می توانست حساسیت حکومت را زیاد کند و مسئله ظهور و به دنیا آمدن دوازدهمین امام^(ع) تحت تأثیر قرار بگیرد. با وجود تقیه و پنهان بودن فعالیت های سیاسی حضرت امام عسکری^(ع)، ایشان را برای کنترل، در یک موقعیت نظامی قرار دادند که به همین دلیل به «عسکری» معروف شدند.

بخشیدن معنای متفاوت به تقیه

با وجود آنکه در روایات شیعه از امام حسن عسکری^(ع) به عنوان پدر امام دوازدهم نام برده شده بود. امام عسکری^(ع) بروز نمی دادند که قصد بچه دار شدن دارند؛ به همین دلیل تولد امام زمان^(ع) از امور خفیه بود و علائن بارداری در مادر بزرگوار ایشان (حضرت نرجس خاتون^(ع)) تا هنگام ولادت دیده نشد؛ لذا تقیه در سیره امام عسکری^(ع) به معنای پنهان کردن ولادت امام مهدی^(ع) بود، نه الزاماً تقیه در همه بخش های دینی و مبارزاتی.

کادرسازی برای امام مهدی^(ع)

چه قبل از تولد امام زمان^(ع) و چه بعد از آن، امام عسکری^(ع) به شیعیان خاص خود مطالب مهدوی را منتقل و یاران خویش را برای این امر آماده می کردند؛ با نایبان خاص امام زمان^(ع) ارتباط داشتند و به آن ها می گفتند فرزند من می آید و آن ها را به عنوان اصحاب مهدی^(ع) تربیت می کردند؛ برای مثال عثمان بن سعید نخستین نایب خاص امام مهدی^(ع)، از یاران امام حسن عسکری^(ع) بودند.

سازمان دهی بی سروصدای شیعه برای غیبت

امام حسن عسکری^(ع) تا تاریخ هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری که به شهادت رسیدند، شدیداً در حال سازمان دهی شیعه بودند اما آن را فریاد نمی زدند و علنی نمی کردند و تنها به یاران خاص خود می گفتند، حتی برخی شیعیانی که از دایره اعتماد دور بودند، وقتی امام حسن عسکری^(ع) از دنیا رفتند، گمان می کردند که حضرت مهدی^(ع) به دنیا نیامده یا امام زمان فرود دیگری است کما اینکه وقتی جعفر کذاب می خواست بر پیکر امام حسن عسکری^(ع) نماز بخواند، مردم گمان می کردند وی امام است؛ چون فقط خواص شیعه از وجود مقدس حضرت حجت^(ع) مطلع بودند و ایشان را دیده بودند.

حجت الاسلام والمسلمین قاسم سوری؛ تقیه در سیره امام عسکری^(ع) به معنای پنهان کردن ولادت امام مهدی^(ع) بود، نه الزاماً تقیه در همه بخش های دینی و مبارزاتی



شبکه سازی مهدی باوران و مهدی یاوران

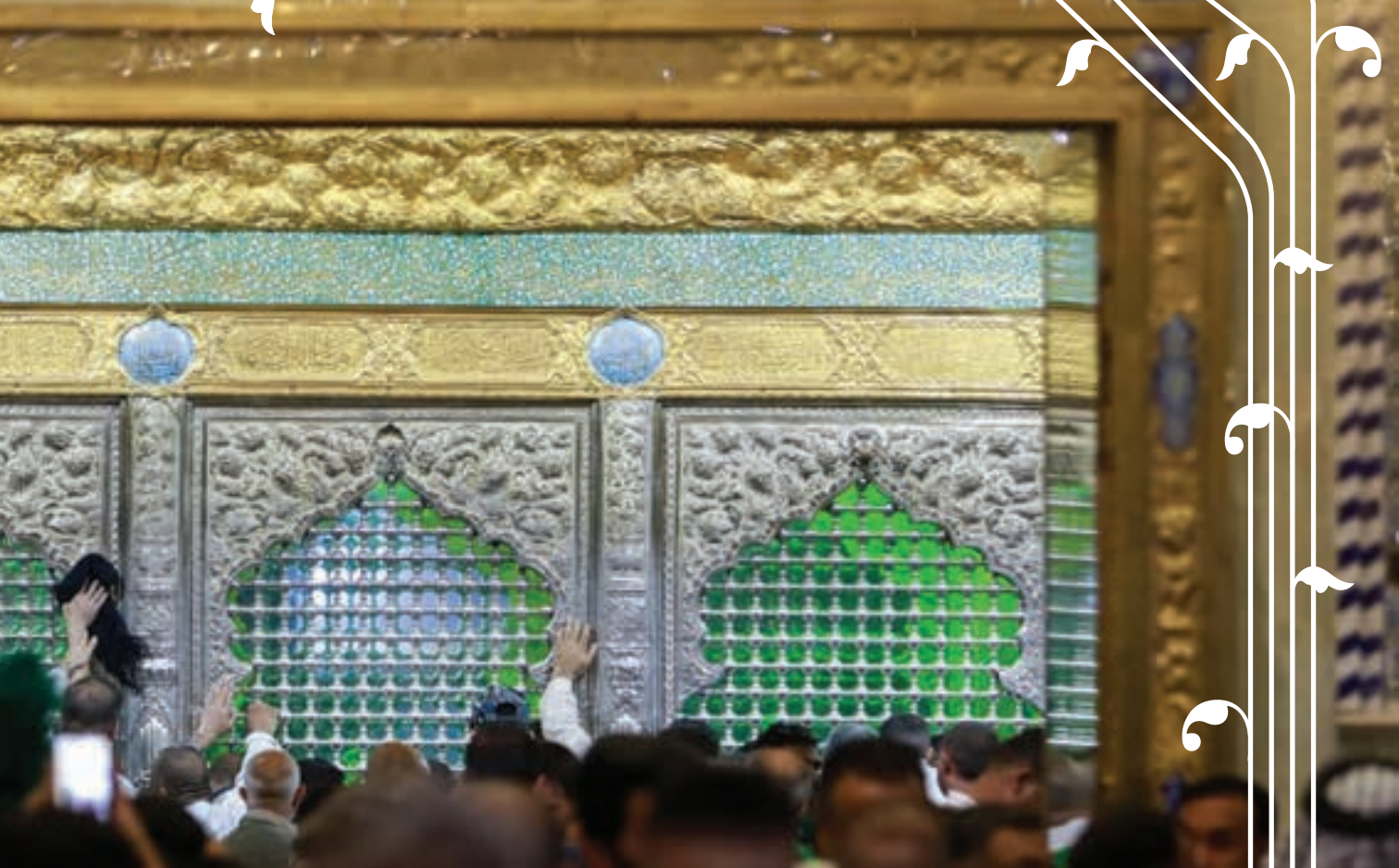
امام عسکری^(ع) به صورت شبکه ای یاران خود را تعلیم می دادند. در لحظه خواندن نماز بر بدن مطهر ایشان، امام زمان^(ع) الحظه ای آمدند، عموی خود را کنار زدند و بیان کردند: «من باید نماز را بخوانم». او نیز با وجود آنکه حضرت مهدی^(ع) کودک بیش نبود، تحت تأثیر قرار گرفت و کنار رفت تا حضرت صاحب الزمان^(ع) نماز را بخوانند. امام زمان^(ع) بعد از اتمام نماز از چشم ها پنهان شدند و هیچ فردی ایشان را ندید. ارتباط امام مهدی^(ع) با جامعه در عصر غیبت صغری، به واسطه برخی شیعیان و نمایندگان حضرت^(ع) ادامه یافت اما با شروع عصر غیبت کبری، این علما بودند که نیابت عام امام زمان^(ع) را عهده دار شدند.

راه و رسم انتظار

از القاب امام عسکری^(ع)، «رُکّی» به معنای تزکیه شده است. فرد تزکیه شده یعنی انسانی که مسیر زندگی خود را بر مدار ریش رذایل و جذب فضایل تنظیم می کند، مابرای تزکیه شدن ابتدا باید دفع رذیله کنیم و سپس جذب فضیله. آنچه در سیره امام حسن عسکری^(ع) خیلی پررنگ است، توصیه های اخلاقی ایشان است. حضرت شدیداً برای تثبیت حق، یاران خود را توصیه به خودسازی درونی می کردند؛ چون تثبیت حق بدون تزکیه صورت نمی گیرد.

انتظار زمینه ساز

امام عسکری^(ع) به شدت بر جهل زدایی تأکید داشتند و به یاران خود توصیه می کردند که به شیعیان ما بگویند مواظب حال و نقای درون خویش باشند. اصولاً زمینه ظهور مهدی فاطمه^(ع) با اصلاح درون فراهم می شود. امام راحل^(ره) نیز می فرمودند: «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند». امام حسن عسکری^(ع) این فراز را همیشه در ادبیات و رفتار خود مدنظر قرار می دادند و به غیر از زبان و در عمل، این مهم را به مردم منتقل و به مسیر حق دعوتشان می کردند و این درسی مهم برای منتظران امام زمان^(ع) است.



آثار فکر و تفکر چیست؟ انسان ها در قرآن و حدیث، امر به فکر شده اند. پیامبران و امامان^(ع) متفکران بزرگ جهانی بوده اند. اهل بیت^(ع) همگان را دعوت به فکر کرده اند و با تبیین آثار تفکر، جایگاه فکر در معارف الهی را نشان داده و مردم را تشویق به تفکر کرده اند. امام حسن عسکری^(ع) عموم مردم را به تفکر واداشته و فرموده اند: عَلَیْكُمْ بِالْتَفْکَرِ، فَإِنَّهُ حَیْثَ قَلَبُ الْبَیْصِیرِ وَمَقَاتِیْخُ أَنْوَاعِ الْجَفَنَةِ، بِرِ شَمَا بَادَ بِهِ اَنْدِیْشِیدَنْ! همانا آن مایه زنده کردن دل انسان بصیر و کلید های درهای حکمت است. (اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دلمی، ص ۲۹۷ * بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۸، ص ۱۱۵). در این حدیث، امام یازدهم آثار فکر و ویژگی ها و نشانه های متفکران را آموزش داده اند.



حجت الاسلام والمسلمین قاسم سوری؛ عنوان هیت علی دانشگاه فردوسی

یادداشت

تعریف تفکر

تفکر چیست؟ تعریف فکر و اندیشه می تواند تکلیف خیلی از ابهامات در مورد کارکرد ذهن را

ویژگی تفکر در گفتار امام حسن عسکری^(ع)

باید راه پرورش و مدیریت تفکر را یافت. فکر، فرایندی شناختی از مغز است که شامل تحلیل، تفسیر و ترکیب اطلاعات برای حل مسئله، تصمیم گیری و درک واقعیت می شود. در ذهن، عمل تصویرپذیری و یادآوری و تجزیه و ترکیب و تجرید و تعمیم انجام می شود و عمل فکر کردن تحقق می یابد. با فکر عواقب و پیامدهای امور، آشکار و راه اقدام خردمندانه گشوده می شود. تفکر مربوط کردن چند امر معلوم و دانسته برای کشف یک امر مجهول و ندانسته است. امام حسن عسکری^(ع) در این حدیث، دو اثر و ویژگی فکر را بیان کرده اند.

حیات قلب بصیر

دل انسان بصیر و آگاه با فکر کردن زنده است. حیات هر چیزی به گونه ای است. تفکر نشان دهنده حیات انسان است. حیات و زندگی قلب انسان ها با اندیشیدن است. امام حسن عسکری^(ع) در حدیث قلب شناسی

فرموده اند: قَلْبُ الْأَخْمَقِ فِی فِیهِ، وَقَلْبُ الْحَکِیْمِ فِی قَلْبِهِ؛ دل احمق در دهان او و دهان حکیم در قلب او است. (تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۴۸۹ * الوافی، ج ۲۶، ص ۲۸۵ * بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۴) این حدیث حقیقتی را آشکار می کند؛ احمق و نابخرد و نادان، بدون اندیشیدن و دقت نظر حرف می زند و سخنش پیش از اینکه در قلب بررسی کند، از دهان خارج می شود و هر چیزی بر زبانش جاری می شود. ولی حکیم سخن نمی گوید، مگر بعد از تفکر درباره کلام و تدبر در قلب. به حکم حدیث امام عسکری^(ع)، قلب انسان بی اندیشه مرده است. انسان بصیر اهل تفکر است و حیات قلب بصیر با فکر کردن است. چقدر تعبیر زیبایی است «فکر» نشان دهنده «حیات» قلب است و حیات، عامل کارآمدی قلب است.

کلید درهای حکمت

در این بخش از حدیث، امام حسن عسکری^(ع)

فکر را مفتاح درهای حکمت دانسته اند. مفاتیح، جمع مفتاح به معنای کلید است. هر قفلی کلیدی دارد. با کلید می توان قفل را باز کرد. قفل در حکمت با تفکر باز می شود و انسان با تفکر به حکمت می رسد. حکمت در لغت به معنای دانش و دانایی و معرفت و عرفان و فرزانی و کمال و علم الهی و راستی و درستی و کلام موافق حق است. تفکر کلید دانش، همراه با عمل است. تفکر انسان را به در حکمت است و راه کسب برترین دانش ها و دانشی می رساند که کارهایش را از روی تدبیر و اتقان انجام می دهد. انسان متفکر، حکیم است و ارزش ها را دارد و از ضدارزش ها به دور است. تفکر، انسان را از کارهای زشت بازمی دارد و بازدارندگی در مفهوم حکمت نهفته است. حکمت را به نظری و عملی تقسیم کرده اند. تفکر، مرکب راهوار برای آراستگی به حکمت است. حکمت الهی بر وحی الهی استوار است. قرآن و حدیث پیامبر خدا^(ص) و امامان^(ع) راسر حکمت است. با اندیشیدن می توان از این حقایق الهی برخوردار شد. خداوند حکیم است. انسان با فکر کلید درهای حکمت را در دست دارد و به حکمت الهی می رسد.